

۱- صلحدوستان گیاهخوار؟

جنگ‌خشن و ویرانگر هند و پاکستان همچنان موضوع سخن در همهٔ محافل دنیاست.

مانه تنها بخاطر علائق نزدیک مذهبی که با کشور اسلامی همسایه و هم‌کیش خود پاکستان، داریم موظف یا برآز همه گونه هم‌دردی در این لحظات حساس هستیم بلکه قطع نظر از این موضوع، تنها بخاطر انسانیت، بخاطر اینکه انسان هستیم و طبعاً ممنوع هرا انسان، وظیفه داریم از همین زاویه این مسئله مهم را مورد بررسی قرار دهیم، و از هیچگونه هم‌دردی مضایقه نکنیم.

نخستین مطلبی که در حاشیه این جنگ‌های ویرانگر بچشم می‌خورد، و امیدها و آرزوهای تلاشی کسانی که بهنگام سخن گفتن از مقیاس تمدن کنونی بشر، روح و فکر و مقام انسان امروز را همچون جسمش شایسته پرواز در آسمانها، و همنشین با فرشتگان قلمداد می‌کردند همه را مبدل به یأس و نومیدی میکند این است که:

مردم دنیا يك شب خوابیدند و صبح بیدار شدند و با چشم خود در روزنامه دیدند و یا با گوش خود از رادیو ها شنیدند هند صلح طلب که مردم انسان

در سحر

عبرت

در حاشیه جنگ بشر

هند و پاکستان

دست کم با اندازه دهها کشور دنیا سکنه دارد آشکارا از او جدا کند و باین حال هم صلح طلب است و هم انسان دوست و هم گیاه خوار!

ما که از وضع این دنیای بلبشور سرد نمی آوریم. تردیدی نیست و انکار نمی کنیم که مسئله آوارگان پاکستان شرقی مشکل بزرگی بوجود آورده، ولی جنگ نه تنها این مشکل را حل نمی کند، بلکه آنرا صد چندان می کند، راه حل این مشکل منحصرأ مذاکره و تصمیم است.

۲- یک مرجع تشریفاتی در برابر اینهمه توقع

نکته دیگر اینکه: راستی دل انسان برای سازمان ملل این «مرجع پرابهت و کم قدرت» میسوزد. در حالیکه جهانیان چشم خود را برای حل معماهای سردرگم دنیا: **محو جنگها از صفحه جهان، پایان دادن به مسئله مسابقه کمر شکن تسلیحاتی، جلوگیری از بر خورد های محلی، و هز از ویك کار اعجاز آمیز دیگر،** بآن دوخته اند بقدری ضعیف است که حتی نتوانست کارکنان خود را که برای مقاصد صلح آمیز و حل و فصل مشکلات محلی بپاکستان شرقی رفته بودند از آنجا بیرون آورد.

هرچه خواهش کرد لا اقل دو ساعت تنها در يك فرودگاه دست از جنگ بردارید تا کارکنانم را بیرون ببرم کسی گوش بحرفش نداد؛ تنها غرش توپهای مهاجمین هندی، و رگبار مسلسلهای آنها، و صدای انفجار بمبها پاسخ می بود که باین درخواست داده شد!

دوستش حتی بخاطر ترجم بر حیوانات خوردن گوشت آنها را حرام میدانند و بگیاه خواری در جهان معروف شده اند بهمسایه مسلمانان بیرحمانه حمله ور شده، و با کمال صراحت و بدون هیچ پرده پوشی میخواهد بخش عظیم این کشور همسایه را که **۷۵ میلیون** نفر جمعیت دارد، از آن جدا کرده، و مثلاً حکومتی بمیل خود برای آن تشکیل دهد و یا بخود ملحق سازد، و در این میان دهها هزار تن تا کنون کشته و مجروح؛ و ملیونها قربانی خانمان شده اند.

راستی ایوانته! از يك سو، در سازمانهای بزرگ جهانی همه فریاد میزنند: «دخالت در امور داخلی دیگران نکنید و مردم را در تعیین سرنوشت خود آزاد بگذارید»

از سوی دیگر همه قطعنامه های جهان متفقاً اشغال اراضی دیگران را ممنوع اعلام میکنند.

از سوی سوم اعلامیه حقوق بشر بهمه مردم جهان هشد ارمیدهد از توسل بزور برای حل اختلافات شدیداً اجتناب ورزند.

از سوی چهارم تصویبنامه ها برای محو آثار استعمارپشت سرهم امضا می شود و فی المثل بخاطر استقلال يك مملکت ۵۰ هزار نفری جشن و سرور برپا می شود، از بنگاه تا بنگاه؛ و از شام تا صیاح، پایکوبی می کنند.

اما در همین دنیا و با همین مشخصات و قطعنامه ها و اعلامیه ها و سازمانهای بین المللی يك کشور میخواهد نیمی از کشور همسایه اش را که بتنهائی

خیال سیر میکند ، بصورت يك مسئله جدی و قابل مطالعه درآید؟

۳- مردم آسیا کی از این خواب سنگین بیدار میشوند ؟

موضوع دیگر اینکه: در حالیکه جبهه‌های جنگهای های جهانی اول و دوم یعنی صحنه های نبرد اروپا و آمریکا در آرامش کامل بسر می برد و شاید سالهاست که يك تیر هم در آن شلیک نشده، پهنه آسیا، از خاور دور و میانه تا خاور نزدیک و آفریقا در آتش جنگهای محلی و جانکاه میسوزد.

از دورترین نقطه یعنی «بنام گرفته» تاهندوستان و پاکستان ، و سرزمینهای اسلامی خاور میانه ، همه یاد آتش است یا بربل پر نگاه آتش وقتی خوب در این تیرها که در این میدان وسیع پرتاب میشود نگاه میکنیم پر های قدرتهای بزرگ جهان را آشکارا در آن می بینیم.

گویا قدرتهای بزرگ عالم صلاح و مصلحت در این دیده اند که نهادر میدان کشور های دنیای سوم، و با پول مردم محروم این نقاط زور آزمائی و تصفیه حساب کنند.

اگر ویران میشود این نقاط ویران گردد، اگر پولی صرف میشود از کیسه مردم بینوا و محروم این سامان باشد، و اگر پیروزی و موفقیتی است نصیب قدرتهای بزرگ باشد !

تازه در این میان غولهای بزرگ سیاست جهان در برده کمک بدوستان و هم پیمانان خود انواع

سازمان ملل در این میان ؛ به ثروت مند معتبر و مشهوری میماند که ورشکست شده باشد، هزار رقم متوقع دور او را گرفته اند، و سرماه و ته ماه و آغاز سال ، حقوق و پاداش وعیدی میخواهند ، در حالی که او آه در بساط ندارد ؛ با این تفاوت که آن ثروت مند مشهور روزی همه گونه امکانات را در اختیار داشته ، ولی طفلکی سازمان ملل با همین وضع رقت بار از مادرم تولد شده است! تا میخواهد مختصر تکانی بخورد و تصمیمی بگیرد ، بمبهای حق «تو» کاخ آمالش را درهم می کوبد و مثلاً در طی ۴۸ ساعت دوبار در معرض این بمباران قرار می گیرد ، از همه جالبتر اینکه آنها که یک عمر شعار «صلح» داده اند حالا جلوی آتش بس رامی گیرند و دوست وفادار جنگ می شوند.

با توجه بمیزان قدرت این بزرگترین مرجع جهانی، خطراتی که تمدن ماشینی امروز موجودیت انسان را تهدید میکند، با تمام قیافه وحشتناکی در برابر چشم هراسانی مجسم میشود!

آیا موقع آن نرسیده است که در کنار مسائل مادی که تنها حاکم بر روابط ملتهاست، و ثمره آن چیزی جز وضع موجود نیست پای یک سلسله اصول اخلاقی در سازمانهای بین المللی ببیان کشیده شود. و ضرورت حکومت این اصول بعنوان يك واقعیت انکارناپذیر لمس شود ، و اندیشمندان جهان فکری برای این موضوع کنند؟

لااقل مسئله حکومت اخلاق از صورت يك مسئله فانتزی که در افقهای دور دست

بگوشه‌ای خزیده‌اند.
کیست که نداند شبه قاره هند باچه مشکلات و
مصائب توانفرسائی از نظر وسایل ابتدائی زندگی
روبروست ، با این حال چه طرفی از این جنگ
خانمانسوز بسته میشود ؟

فرض کنیم يك بخش از کشوری جدا شد و بر
ویرانه جنگهای خانه به خانه اش کشوری فقیر و
درومانده و بینوا بوجود آمد، چه مشکلی حل خواهد
شد؟ و چه کسی از آن منتفع خواهد گردید؟

آیا مردم این کشورها نباید دربرنامه زندگی
خود تجدید نظر کنند، نباید از این سرنوشت شومی
که قدرتهای بزرگ جهان برای آنها تعیین کرده‌اند
خود را کنار بکشند، و در محیطی از تفاهم و انسانیت
و همدردی، مشکلات و احیاناً اختلافات خود را حل
کنند؟ - آخر مردم این سامان کی باید از خواب بیدار
شوند؟ !

محصولات جنگی خویش را به گرانترین قیمت به
آنها میفروشند و پول کلانی هم بدست می‌آورند.
یعنی اگر جنگ برای دیگران ویرانی و فقر
می‌آفریند ، برای آنها آبادی و ثروت می‌افزاید،
و این برآستی فورمول عجیبی است .

در یکی ازه طبوعات مهم جهان نوشته بودند :
مردم آسیا در طی ۱۰ سال اخیر میزان خرید
سلاحهای جنگی را تا ۷۰ درصد افزایش داده‌اند.
و هم نوشته بودند : «افزایش تولید مواد نفتی
پاره‌ای از این کشورها که بهترین درآمد آنهاست
تنها ۲ درصد است در حالی که افزایش خرید
سلاح ۹ درصد. یعنی بیش از ۴ برابر افزایش آن درآمد
سرشار!

باین ترتیب مردم آسیا و جهان سوم به قماربازانی
میمانند که تمام هستی خود را تبدیل بیول کرده
و بر سر يك قمار گذارده‌اند و سپس گرسنه و برهنه

سر لوحه دفتر ایمان

پیغمبر اکرم (ص) میفرماید :

عنوان صحیفه المؤمن حب علی بن ابیطالب (ع)

سر لوحه دفتر هر فرد با ایمان محبت و دوستی علی بن

ابطالب است!